

بررسی زبان‌شناختی کارکرد تابوهای زبانی در سینمای معاصر ایران

نرگس رحمانی^۱، بهزاد رهبر^{۲*}، محمدرضا اروجی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

Investigating Functions of Linguistic Taboos in Contemporary Iranian Cinema

Narges Rahmani¹, Behzad Rahbar^{2*}, Mohammad Reza Oroji³

1. PhD Candidate of Linguistics, Zanjan branch, Islamic Azad University, Iran

2. Assistant Professor of Linguistics, Allameh Tabataba'i University, Iran

3. Assistant Professor of Linguistics, Zanjan branch, Islamic Azad University, Iran

Received: 2020/01/17

Accepted: 2020/06/01

Abstract

The present study explores the functions of linguistic taboos in Iranian contemporary cinema, and the effect of gender on the film characters and screenwriters in expressing them. Twenty Iranian movies in a twenty-year period from 1998 to 2018 shaped the corpus of this sociolinguistic study. To analyze the data, a revised classification of Wardhaugh's (2006) framework was used. The findings showed that among Wardhaugh's classification, attention, stimulation and humiliation were observed in Iranian contemporary cinema. Moreover, four new functions, namely emphasis, psychological relief, fear, and expressions of affection, were also identified in the Iranian corpus. Results showed that the taboo words related to psychological relief were the most frequently used taboo words (49%) in the corpus. The results also revealed that male characters made the most use of taboo terms in comparison with the females. Female screenwriters, however, were the ones who employed more taboo terms in their plays than the males. The result may help to effectively understand the informal expressions of language, and it explores the hidden layers in which emotion are expressed in human's conversation. The findings may have implications for playwrights, screenwriters, language designers, linguists and even language teachers

Keywords: Linguistic taboo, Sociolinguistics, Contemporary Iranian movies, Function of taboo, Gender, Scenario.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی کارکرد تابوهای زبانی سینمای معاصر ایران و تأثیر جنسیت شخصیت‌های فیلم‌ها و فیلم‌نامه‌نویسان در ابراز آنها می‌پردازد. بیست فیلم منتخب، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۶ بوده و پس از مشاهده فیلم‌ها، داده‌ها استخراج و یادداشت‌برداری گردیده‌اند. در این راستا، طبقه‌بندی وارداف (۲۰۰۶) اصلاح شده و با فرهنگ ایران تطابق یافته است. نتایج نشان می‌دهد از میان کارکردهای طبقه‌بندی مذکور، جلب توجه، تحریک و تحقیر در سینمای ایران مشاهده گردید. به‌علاوه، چهار کارکرد جدید شامل تأکید، تخلیه روانی، ترس و ابراز محبت نیز شناسایی شدند. بر اساس نتایج، دشواری‌های مربوط به تخلیه روانی با فاصله‌ای قابل‌توجه با سایر دشواری‌ها، با میزان ۴۹٪ دارای بیشترین فراوانی هستند. در ارتباط با جنسیت، یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که کاربرد دشواری در میان شخصیت‌های مرد بیش از شخصیت‌های زن است. از طرفی، فیلم‌نامه‌نویسان زن در قیاس با فیلم‌نامه‌نویسان مرد از دشواری‌های بیشتری بهره برده‌اند. نتایج حاصل در شناخت هرچه بیشتر جلوه‌های بیانی غیررسمی زبان مؤثر بوده و لایه‌های پنهان شیوه‌های بروز احساس در موقعیت‌های انسانی مکالمه را واکاوی می‌کند. نمایش‌نامه‌نویسان، فیلم‌نامه‌نویسان، طراحان زبانی، زبان‌شناسان و حتی معلمان زبان می‌توانند از یافته‌های این پژوهش بهره ببرند.

کلیدواژه‌ها: تابوی زبانی، زبان‌شناسی اجتماعی، سینمای معاصر ایران، کارکرد دشواری، جنسیت، فیلم‌نامه.

*Corresponding Author: Behzad Rahbar

Email: behzadrahbar@atu.ac.ir

* نویسنده مسئول: بهزاد رهبر

مقدمه

یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ، رفتار و گفتار ممنوعه است. این بخش حساس، محدوده عملکرد شخص در اجتماع را مشخص می‌نماید و گفتار شخص نیز با توجه به این محدوده کنترل می‌گردد. هرچند دلایل شکل‌گیری تابو گذشته از مفهوم اجتماعی آن، در اصل سرچشمه‌های روانی دارد، مفهوم تابو در جوامع مختلف ابعاد و بازخوردهای گوناگونی در پی دارد؛ در استفاده از تابو، هر جامعه‌ای استانداردی را دنبال می‌کند. در برخی موارد کلمات تابو به دلیل معانی ضمنی منفی ممکن است غیر قابل قبول به شمار آیند (ترادگیل^۱، ۱۹۷۴). هر جامعه‌ای عدم موافقت خود در ارتباط با انواع خاصی از رفتارها را از طریق تابوها نشان می‌دهد. ارزش‌ها و واقعیات جامعه از طریق تابوها آشکار می‌شود و به این ترتیب نگرش مردم نسبت به بعضی از مسائل در درون یک جامعه خاص مشخص می‌گردد. بنابراین کلمات تابو، فرهنگ، مذهب، باورهای متافیزیک و سیستم سیاسی جامعه را منعکس می‌نمایند (وارداف^۲، ۲۰۰۶) و به بیان رابینسون^۳ (۱۹۹۶: ۲۴) این فرآیند در لایه‌های عمیق ناخودآگاه رفتار اتفاق می‌افتد.

ادبیات هر ملت نشان دهنده فرهنگ و تاریخ آن ملت است و در این میان تابو به عنوان مفهومی فرهنگ محور که نمایش تلفیقی از ترس‌های ناخودآگاه و غریزه‌های خفته جوامع بشری است در ادبیات به خوبی منعکس شده است. از این میان تولیدات سینمایی هر کشور بسان آینه‌ای از وجوه پیدا و پنهان آن کشور، منبعی غنی و قابل اعتماد در تحلیل فرهنگ به شمار رفته و یکی از تجلی‌گاه‌های نمود تابو در بستری مبتنی بر واقعیات اجتماعی است. آثار سینمایی انعکاسی از مسائل جاری جامعه و نمودی از زندگی واقعی است که مؤلف یک اثر با اندیشه خلاقانه خود می‌آفریند و روابط انسانی موجود در جوامع را در قالب تصویر نمایش می‌دهد. به بیانی دیگر، سینما فرصتی جدید را برای مخاطب خود فراهم می‌کند تا در کنار زندگی شخصی خود اتفاقات دیگری را نیز تجربه نماید؛ اتفاقاتی که از واقعیات موجود در زندگی واقعی الهام گرفته و از نگاه فیلم‌نامه‌نویس روایت گردیده‌اند. نظریه‌اینکه سینمای هر کشور گونه‌ای از

خوانش فرهنگ و روان مردم جامعه است، محملی برای تحلیل مجموعه تابوها محسوب می‌شود. با اذعان به اینکه فیلم‌نامه‌ها بر مبنای انگیزه‌هایی همچون ذهنیات فردی، واقعیات اجتماعی و تجربیات شخصی شکل می‌گیرند و تابوهای یک جامعه نیز از این عوامل منتج می‌شوند، یکی از حوزه‌های مطالعه و بررسی تابوها متون فیلم‌نامه‌ها است. از طرفی، در کنار جذابیت‌های بصری، ظرفیت‌های زبانی جامعه نیز از طریق این مجرا به وضوح به معرض نمایش گذارده می‌شوند و بررسی دشواژه‌ها نیز در این آثار مشمرثمر خواهد بود.

دشواژه به عنوان یکی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه معرفی می‌گردد. از این رو، پژوهش حاضر در مواجهه با دشواژه‌های متداول در بافت جامعه و به تبع آن در قالب آثار سینمایی و با اتکاء به ظرفیت سینما در سراسر جهان به عنوان یکی از مجاری بازنمود عناصر فرهنگ محور، بر آن است که دشواژه‌های جامعه ایرانی را از خلال نمونه‌هایی از آثار سینمایی سازمان‌دهی نماید. در این راستا تلاش شده است با بسط مفاهیم نظری دشواژه در جامعه و بالخصوص تولیدات سینمایی، کاربرد و کارکرد دشواژه‌ها مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد. پژوهش زبان‌شناختی حاضر با رویکردی اجتماعی درصدد سازماندهی و بررسی دشواژه‌های به کاررفته در فیلم‌های سینمایی ایرانی در بازه زمانی سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۶ است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر تحلیل کارکردهای مختلف دشواژه‌های موجود در این آثار و تلاش برای طبقه‌بندی آنها است. در عین حال، جنسیت فیلم‌نامه‌نویسان و همین‌طور تأثیر جنسیت شخصیت‌های آثار سینمایی نیز در ارتباط با میزان کاربرد دشواژه و نیز کاربرد دشواژه‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

ریشه واژه تابو به معنی «ممنوعیت» برگرفته از زبان تونگان^۴ در اواخر قرن ۱۸ است. در زبان‌های پولینزیایی^۵، این کلمه به مفهوم «قدغن» بوده و برای هر شکلی از ممنوعیت استفاده می‌شده است. تابو در علم زبان‌شناسی در ارتباط با موضوعاتی به کار می‌رود که بر اساس هنجارهای هر جامعه ممنوع بوده و هرگاه بیان شوند موجب تعجب و خجالت افراد می‌شوند (لیدلیچ^۶، ۱۹۷۳: ۲۱۳).

دشواژه معادل فارسی تابو است. جامعه افراد را مجاز به

4. Tongan
5. Polynesian
6. R. D. Liedlich

1. P. Trudgill
2. R. Wardhaugh
3. D. Robinson

سیابه در برخی از جوامع توهین‌آمیز تلقی می‌شود. تابوهای زبانی کلماتی هستند که استفاده از آنها ناپسند محسوب می‌گردد و گوینده این کلمات به شکلی از جامعه طرد می‌گردد. در واقع کاربرد این کلمات هرچند نشان‌دهنده عدول گوینده از اصول اخلاقی است، اما به‌رحال بخشی از زبان شفاهی به شمار می‌آیند. سوان^۲ (۲۰۰۵) کاربردهای تابوهای زبانی را در قالب ابراز رنجش، اظهار تعجب، پرسش به همراه تعجب، توهین، درخواست توأم با توهین برای بیرون راندن فرد، بیان بی‌علاقگی، امتناع همراه با خشونت، واژه‌های پرخاشگرانه و بیان صفات و قیده‌های توهین‌آمیز دسته‌بندی می‌نماید. وارداف (۲۰۰۶) بر این باور است که برخی اشخاص به منظور رها کردن خود از محدودیت‌های اجتماع برآند تا اصول موجود در زمینه به‌کارگیری تابو را زیر پا بگذارند. وی مسائل مرتبط با مرگ، دفع، اعمال بدنی، مسائل مذهبی و سیاست را جزو تابوها قلمداد کرده و معتقد است که در برخی موارد دشواژه‌ها به منظور نشان دادن خشونت، تمسخر، و یا جلب توجه دیگران به کار می‌روند. در میان تابوها، تابوهای زبانی که عمدتاً مرتبط با دشنام و فحاشی هستند گستردگی بیشتری داشته و با توجه به اینکه در قالب گفتاری بیان می‌گردند به سرعت بر مخاطب خود تأثیر می‌گذارند (طالبی‌دستنابی و خوشبخت‌آرانی، ۱۳۹۵).

با طرح این مسئله که چگونه معانی فرهنگی در یک زبان ابراز می‌گردند به این نکته پی می‌بریم که زبان برای جلوگیری از بیان پاره‌ای از مفاهیم ویژه و در عین حال صحبت در مورد سایر مفاهیم به کار می‌رود (هاشمیان، ۲۰۱۴). اگرچه به دلیل ماهیت ناپسند دشواژه‌ها، کاربرد چنین عباراتی در گفتگوهای رسمی مجاز نیست و مردم نیز به این واقعیت معترف هستند که استفاده از این واژه‌ها در جامعه ممنوع است، اما این عبارات در ارتباطات روزانه افراد و در محافلی همچون جمع دوستان صمیمی به کار می‌روند. هرچند زبان بد بدون شک بخشی از فرهنگ هر جامعه‌ای است و افراد در مقاطع خاصی از زندگی خود ممکن است به دلایلی از آن استفاده کنند، اما به دلیل ماهیت حساس موضوع کمتر بدان پرداخته شده است. از میان تابوهای رفتاری، بدنی و زبانی، با توجه به ماهیت زبان‌شناختی پژوهش حاضر به ارزیابی تابوهای زبانی پرداخته شده است.

استفاده از این کلمات در هر شرایط و زمانی نمی‌داند. دشواژه‌ها دارای تأثیرات و وزن‌های متفاوتی هستند. بعضی از این کلمات بسیار ناپسند محسوب شده و به‌کارگیری آنها به شکل قاطعی از طرف قواعد موجود نهی می‌گردد. استفاده از برخی دیگر از این کلمات گرچه مجاز است اما با وجود این، این دسته در مقایسه با دسته قبلی در جمعی خودمانی ممکن است به‌کار گرفته شوند و اعضای یک گروه از به‌کارگیری آنها در گفت‌وگوهای غیررسمی ابایی ندارند (تفرجی‌یگانه، ۱۳۹۵).

در مطالعه حاضر، تلاش بر این است که به بررسی کاربرد و کارکرد دشواژه‌های به‌کاررفته در مکالمات شخصیت‌های فیلم‌های سینمایی منتخب در بازه موردنظر پرداخته شود. لذا پرسش‌های تحقیق به شرح زیر است:

۱. کارکردهای مختلف دشواژه‌های به‌کاررفته در آثار سینمایی معاصر ایران کدامند؟
۲. آیا میان جنسیت فیلم‌نامه‌نویسان سینمای معاصر ایران و میزان به‌کارگیری دشواژه رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. آیا میان جنسیت شخصیت‌های آثار سینمایی معاصر ایران و میزان به‌کارگیری دشواژه رابطه معناداری وجود دارد؟
۴. آیا میان جنسیت فیلم‌نامه‌نویسان سینمای معاصر ایران و میزان به‌کارگیری دشواژه توسط شخصیت‌های زن و مرد آثار آنها رابطه معناداری وجود دارد؟

انواع تابوها بر اساس نوع ابراز

در یک دسته‌بندی تابوها به سه دسته تابوی رفتاری، تابوی بدنی و تابوی زبانی تقسیم شده‌اند (طالبی‌دستنابی و خوشبخت‌آرانی، ۱۳۹۵). تابوهای رفتاری اعمالی هستند که از منظر اجتماع نامطلوب به حساب می‌آیند؛ در واقع این گروه از تابوها زمانی که حادث شوند معنا یافته و در بعضی موارد به عقوبت می‌انجامند. به اعتقاد اندرسون^۱ (۱۹۸۵: ۱۶)، در هر اجتماعی هر دو شکل تابوی زبانی و رفتاری مشاهده می‌گردد؛ به این شکل که تابوهای رفتاری در بیان افراد انعکاس می‌یابند و به مرور زمان در قالب کلمات و به دشواژه تبدیل می‌گردند. برخی محققان به‌کارگیری حرکات بدن در قالب تابوهای بدنی را در یک دسته جداگانه طبقه‌بندی کرده‌اند که این تابوها در واقع بخشی از تابوهای رفتاری هستند. به عنوان مثال نشان دادن فرد با انگشت

پیشینه پژوهش

هونگ خو و گایسن^۱ (۱۹۹۰) ایجاد، به‌کارگیری و تأثیرات فرهنگی-اجتماعی عبارات تابو را مورد مطالعه قرار دادند. آنها تابوها را در چهار مقوله تقدس^۲، جنسی^۳، فعالیت‌های جسمی^۴ و امور ناخوشایند^۵ طبقه‌بندی کردند. از سوی دیگر، تابوها را تحت دو دسته خرد-بافتی (موقعیتی)^۶ و کلان-بافتی (اجتماعی)^۷ قرار دادند. الخطیب^۸ (۱۹۹۵) رابطه تابو را با بافت اجتماعی و عوامل فرهنگی-اجتماعی موضوع، تحصیلات و سن بررسی کرده است. بر طبق این پژوهش، عوامل فرهنگی-اجتماعی وجود دارند که استفاده از کلمات تابو یا معادل‌های به‌گزین شده را تعیین می‌کنند.

تمایز میان زبان مخفی و دشواژه محور تحقیق سمائی (۱۳۸۲) بوده است. وی زبان مخفی را یکی از گونه‌های اجتماعی زبان در نظر می‌گیرد که با مفهومی نهفته عجیب است و کاربرانی خاص آن را به‌کار می‌برند. هدف از این زبان غالباً بیان منظوری همراه با کنایه است و گزاره‌های زبان مخفی، برخلاف دشواژه‌ها، لزوماً مفاهیم توهین و بی‌ادبی به همراه ندارند.

مکانزی^۹ (۲۰۰۴) از پرداختن به کلمات نامناسب و ریک فراتر می‌رود و به بررسی فرایندهای اجتماعی می‌پردازد که باعث ایجاد تداعی بین زبان و برخی مؤلفه‌های خاص مرتبط با سن، تحصیلات، جنسیت و طبقه اجتماعی می‌شوند. وی نشان می‌دهد که چگونه رخدادهای تاریخی بر نگرش افراد به دشنام در زبان انگلیسی جدید تأثیرگذار بوده است. مطالعه زبان شناختی تابوی زبانی و کاربرد برخی دشنام‌ها در زبان انگلیسی توسط وینروب^{۱۰} (۲۰۰۵) انجام گرفته است. وی در واکاوی نقش دشنام‌ها و برجسب‌های مختلف جامعه برای اشاره به این مفهوم به بررسی موشکافانه برخی دشنام‌ها و واژگان مربوط به حوزه‌های معنایی دشنام‌ها می‌پردازد. سیفرد^{۱۱} (۲۰۰۶) از طریق مقایسه میان تابوهای زبانی قدیمی و معادل‌های امروزی آنها در فرهنگ‌های مختلف به این نتیجه رسیده

است که آمریکایی‌ها امروزه در مقایسه با گذشته در استفاده از تابوها به مراتب احساس راحتی بیشتری دارند و کلماتی که زمانی تابو محسوب می‌شدند امروزه بخشی از زندگی روزمره آنها به‌شمار می‌رود.

داوودی (۲۰۰۷) به ملاحظات فرهنگی در مبحث ترجمه می‌پردازد. به باور وی، در ترجمه تابوها سه حالت وجود دارد. در حالت اول، عبارت تابو در فرهنگ مقصد، تابو به‌شمار نمی‌آید و مترجم بدون هیچ مشکلی عبارت تابو را ترجمه می‌کند؛ ولی در حالت دوم که عبارت تابو در هر دو فرهنگ، تابو به حساب می‌آید و در حالت سوم که عبارت تابو تنها در زبان مقصد تابو محسوب می‌شود، مترجم با بهره‌گیری از راهبردهای خاص اقدام به ترجمه می‌نماید. این راهبردها می‌توانند در قالب حذف کامل، جایگزینی با عبارتی غیرتابو، یافتن معادلی که در زبان مقصد نیز تابو محسوب می‌شود و یا حسن تعبیر باشد.

شکیبا (۱۳۸۶) به بررسی رفتارهای زبانی گویشوران فارسی‌زبان تهرانی با تمرکز بر تفاوت‌های نوع دشواژه‌ها و بسامد استفاده از آنها و تأثیرات بافت اجتماعی بر انتخاب چنین واژه‌هایی پرداخته است. نتایج بررسی حاکی از آن است که مردان بیش از زنان از واژه‌های تابو استفاده می‌کنند و در عین حال زنان تحصیل کرده مؤدبانه‌تر صحبت می‌کنند. مدرسی (۱۳۸۷) با اشاره به تفاوت‌های جنسیتی زبان، به حساسیت زنان در به‌کارگیری ویژگی‌های زبانی اشاره می‌کند. مدرسی بر این باور است که اگرچه وجود باید و نبایدهای زبانی در تمام جوامع محسوس نیست اما هر جامعه‌ای اصول اخلاقی و اجتماعی خاص خود را دارد. البته تفاوت جنسیت تنها ملاک میزان استفاده از دشواژه‌ها نبوده و عواملی از قبیل وضعیت اجتماعی، سن، نژاد، تحصیلات و جنسیت مخاطب نیز در این میان مؤثرند.

جهت بررسی تابو در آثار ترجمه‌شده، شریفی و دارچینیان (۱۳۸۸) به مطالعه برخی متون ترجمه‌شده از زبان‌های دیگر به فارسی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق بیانگر این است که مترجمان اغلب از راهبرد حذف به عنوان اولین و ساده‌ترین روش برخورد با تابوها استفاده کرده‌اند و اعمال حذف پربسامدترین راهکار به‌شمار می‌رود.

در راستای تحلیل تابو در ساختار محتوایی و زبانی ادبیات فارسی، بروجنی (۱۳۸۹) به بررسی واژگان تابو در برخی از داستان‌های معاصر فارسی پرداخته است. پژوهشگر در این مطالعه به بررسی چرایی وجود عبارات تابو در جامعه

1. H. Hongxu & T. Guisen
2. Sanctity
3. Sex
4. Bodily Functions
5. Unpleasant Matters
6. Microcontextual (situational)
7. Macrocontextual (societal)
8. M. A. Al-Khatib
9. T. McEnery
10. R. Wajnyb
11. B. Seifried

از نظر ارتباط آنها با زمینه اجتماعی مورد مطالعه قرار داده، به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کاربرد آنها پرداختند. در ادامه به راهکارهای موجود جهت جلوگیری از کاربرد این کلمات همچون جایگزینی حسن تعبیر و اصطلاحات استعاری اشاره گردیده است.

آذردهشتی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی ترجمه تابوهای کلامی در رمان ناتور دشت^۴ در دو برهه زمانی متفاوت پرداختند. در انتقال تابوهای کلامی به فارسی تلطیف‌سازی، انتقال مستقیم و جبران‌سازی به ترتیب پرکاربردترین راهبردها بوده‌اند. در بررسی ترجمه تابوها و تأثیر تغییرات فرهنگی-اجتماعی بر ترجمه آنها مقصودی (۱۳۹۴) به بررسی میزان دستکاری در ترجمه تابوهای کتاب *صد سال تنهایی* گابریل گارسیا مارکز و مقایسه دو ترجمه آن، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. براساس این تحقیق، مترجمان هر دوره به دلیل هنجارهای متفاوت اجتماعی-فرهنگی و اجتماعی-سیاسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، از راهبردهای متفاوت استفاده کرده‌اند.

علی‌اکبری و رئیسی (۲۰۱۵) تابوهای زبانی را در ارتباط با بافت اجتماعی و عوامل اجتماعی-فرهنگی در جامعه ایران بررسی کرده‌اند. آنها بر طبق تقسیم‌بندی هونگ خو و گایسن (۱۹۹۰)، عبارات و کلمات تابو را در دو گروه عام و وابسته به بافت قرار داده‌اند. بررسی خشونت کلامی و غیر کلامی در زبان فارسی با توجه به متغیرهای اجتماعی جنسیت، تحصیلات و سن سخن‌گویان زبان فارسی اساس کار شیخ‌محمدی (۱۳۹۵) بوده است. وی با بررسی خشونت در دو سطح کلامی و غیر کلامی به این نتیجه رسیده است که متغیر اجتماعی سن بر میزان کاربرد خشونت‌های کلامی و غیر کلامی تأثیرگذار است اما متغیر اجتماعی تحصیلات بر میزان کاربرد این خشونت‌ها تأثیری ندارد. همچنین در میان زنان و مردان در کاربرد خشونت‌های کلامی تفاوت معناداری وجود دارد به گونه‌ای که زنان بیشتر از مردان در گفتار خود از خشونت‌های کلامی استفاده می‌کنند. علت این امر را می‌توان در نابرابری‌های اجتماعی، تفاوت نقش و موقعیت اجتماعی و همچنین تفاوت‌های فرهنگی زنان و مردان بیان کرد.

کاربرد دشواژه دارای خاستگاهی روانی بوده و جزء اجتناب‌ناپذیر از زبانی است که به‌طور روزمره به‌کار گرفته

در عین محکوم بودنشان پرداخته است. وی معتقد است هرچند این عبارات در میان تمام اهل زبان شناخته شده است، اما گروه‌ها و طبقات خاصی از جامعه بیشتر از آن استفاده می‌کنند.

بررسی به‌واژه‌ها^۱ و دشواژه‌ها در دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی توسط ابهریان آزادی (۱۳۸۹) انجام گرفته است. پژوهشگر علاوه بر بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، به ارتباط مؤلفه جنسیت با کاربرد به‌واژه‌ها و دشواژه‌ها نیز پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین جنسیت، قومیت، حوزه معنایی، حوزه کاربردی و میزان کاربرد به‌واژه‌ها و دشواژه‌ها رابطه وجود دارد. حق‌بین و طالبی (۱۳۹۰) به واکنش سخنگویان دوزبانه به واژگان تابو پرداختند. در این پژوهش به مفهوم تابوی زبانی به عنوان عنصری وابسته به فرهنگ پرداخته شده و تفاوت انتقال احساسات در بیان تابو در زبان اول نسبت به زبان دوم بررسی گردیده است. بر اساس این تحقیق، انتقال احساسات توسط زبان اول راحت‌تر از انتقال احساسات از طریق زبان دوم در افراد دوزبانه است.

به‌منظور بررسی تابوهای زبانی در ارتباط با بافت اجتماعی که این تابوها در آن استفاده شده‌اند، قنبر^۲ (۲۰۱۱) به عوامل اجتماعی-فرهنگی که بر استفاده آنها تأثیر گذاشته‌اند، پرداخته است. وی راهکارهایی مانند استفاده از ساخت‌های متضاد و استعاری را معرفی می‌کند که افراد برای جایگزین کردن با دشواژه‌ها از آنها بهره می‌برند. موسوی و بدخشان (۱۳۹۱) در کنار بررسی راهکار شناخته‌شده حسن تعبیر در راستای رعایت نزاکت اجتماعی و عدم ادای دشواژه، از نوعی دیگر از حسن تعبیر سخن به میان می‌آورند که گویندگان این تعابیر در اصل هدف انحراف افکار عمومی در مسیر از پیش تعیین‌شده خویش را در ذهن می‌پروارند.

ضمن معرفی تابوی زبانی و انواع آن، ارباب (۱۳۹۱) به بررسی دشواژه‌های رایج فارسی در بین زنان و مردان ساکن شهر تهران و تفاوت‌های موجود در نحوه استفاده آن‌ها از دشواژه‌ها پرداخته است. هدف اصلی وی طبقه‌بندی دشواژه‌ها به لحاظ حوزه واژگانی آن‌ها و جنسیت افراد بوده است. احمد و همکاران^۳ (۲۰۱۳) انواع تابوهای زبانی در جامعه پشتون را

1. Euphemism

2. N. Qanbar

3. K. Ahmad

4. The Catcher in the Rye

ارتباط با تابوهای زبانی، یافتن معادل تابو و جبران و در مورد تابوهای فرهنگی، دستکاری و تغییر و استفاده از معادل‌های غیرتابو رایج‌ترین راهبردهای مورد استفاده مترجمان در دوبله تابوهای غربی به فارسی هستند.

طالب‌نیا (۱۳۹۲) به بررسی راهبردهایی می‌پردازد که شرکت‌های خصوصی دوبله در ایران از آن‌ها در برخورد با تابوها استفاده می‌کنند و درصدد یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا این شرکت‌ها از نظر میزان حساسیت نسبت به تابوها دارای همگرایی هستند یا خیر. مدرسی خیابانی (۱۳۹۲) به بررسی میزان کاربرد دشواژه‌ها در برنامه‌های طنز سیما پرداخته و میزان رعایت نزاکت زبانی در مجموعه‌های طنز سیما را بررسی نموده است. بر طبق این پژوهش اگرچه تعداد دشواژه‌ها در مقایسه با کل واژه‌های پیکره بسیار اندک بود اما با توجه به نقش رسانه و تأثیر آن در سبک زندگی خانواده‌ها قابل توجه است.

حسنوندی و همکاران (۱۳۹۸) عبارات مصطلح بی‌ادبانه در ترجمه دیداری شنیداری در دو فیلم جدایی نادر از سیمین و اید و یک روز را مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان پس از طبقه‌بندی موارد مذکور، به بررسی چگونگی ترجمه معادل‌های این عبارات در زیرنویس‌های انگلیسی حرفه‌ای دو فیلم مذکور پرداختند. یافته‌ها نشان داد که در بین عبارات مصطلح بی‌ادبانه، سؤالات چالشی دارای بیشترین فراوانی است.

با توجه به عدم تمایل جوامع و فرهنگ‌های مختلف بویژه جوامع سنتی همچون ایران به مطرح نمودن مباحث نامتعارفی مانند دشواژه‌ها و مطالعه آنها در حیطه‌های علمی مذاقه در این بخش از فرهنگ عامه تا حد زیادی مغفول مانده است. در واقع، علی‌رغم مطالعات سال‌های اخیر، هنوز هم ابهامات و زوایای بکری از به‌کارگیری دشواژه‌ها در سینمای معاصر جلب توجه می‌کند. نظر به اهمیت تابوهای کلامی به‌عنوان بخشی انکارناپذیر از زبان می‌توان به جایگاه پژوهش حاضر پی برد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله در بخش‌های مربوط به مقدمه، مروری بر مطالعات گذشته و در مبانی تحقیق به صورت اسنادی است. در راستای جمع‌آوری داده‌های مدنظر ابتدا با افراد صاحب‌نظر در حوزه ادبیات سینمایی و

می‌شود. با درک این موضوع و در صورت عدم تشخیص معنا و ماهیت چنین کلماتی، دشواژه‌ها به نوبه خود می‌توانند موجب ایجاد مشکل شوند. به باور جی^۱ (۱۹۹۲)، پیکان اصلی سرزنش به سمت رسانه‌هایی از قبیل تلویزیون است که چنین عبارات ممنوعه‌ای را گسترش می‌دهند. در تحقیقی بر روی استفاده از تابو در فیلم، واتی^۲ (۲۰۰۲) کلمات تابو شخصیت‌های یک فیلم را بررسی کرده است. بدین منظور وی انواع تابو و ارتباط آن با موضوعات خاص را به‌منظور تفکیک شخصیت‌های زن و مرد از نظر میزان استفاده از تابو مورد بررسی قرار داده است.

زیرنویس‌های سوئدی سه ترجمه مختلف یعنی نسخه شبکه عمومی، شبکه تجاری و شبکه خانگی از یک فیلم از دو جنبه زبان‌شناختی یعنی دشنام‌ها و کلمات ناسزا و نیز شاخص‌های گفتاری توسط متسون^۳ (۲۰۰۶) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر میزان زیاد حذف هر دو ویژگی زبانی مورد بحث به‌ویژه دشنام‌ها و الفاظ رکیک است. فرناندز^۴ (۲۰۰۹) به بررسی نقش ناسزاها و عبارت‌های توهین‌آمیز در ترجمه فیلم پرداخته است. وی پس از مروری اجمالی بر کارکرد دشنام‌ها، به تحلیل و بررسی نحوه مقابله با این واژگان در دوبله فیلم‌های آمریکایی به اسپانیایی می‌پردازد. نتایج حاصل بیانگر آن است که در ترجمه بسیاری از فیلم‌های آمریکایی، مترجمان برای کاستن از قبح و تعدیل زبان فیلم، از عبارت‌های ساختگی استفاده کرده‌اند که با زبان معیار فاصله زیادی دارد.

عسکری (۱۳۸۹) راهکارهای ترجمه‌ای به‌کار گرفته‌شده در ترجمه دشواژه‌ها در دوبله و زیرنویس فیلم‌ها از انگلیسی به فارسی را مورد بررسی قرار داده است. رایج‌ترین راهکار به‌کار گرفته‌شده در دوبله، راهکار حذف و در زیرنویس، راهکار انتقال بوده است. این نتیجه بدین معناست که سانسور دشواژه‌ها در دوبله به مراتب بیشتر از زیرنویس صورت می‌گیرد.

با بررسی توصیفی دوبله فیلم‌های انگلیسی زبان به فارسی، مردانی کلاته قشلاق و همکاران (۱۳۹۱) راهبردهای مترجمان در ترجمه تابوهای زبانی و فرهنگی غربی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در

1. T. Jay
2. Y. Wati
3. J. Mattsson
4. M. Fernandez

کارکرد واژگان تابو از مهم‌ترین عللی است که این کلمات علی‌رغم اینکه ممنوعه هستند به کرات مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع این عبارات دارای کارکردهایی هستند که در بعضی مواقع تنها با استفاده از آن‌ها گوینده به هدف خود از به‌کارگیری زبان نائل می‌آید. محققان حوزه روان‌شناسی اجتماعی با مطالعه شخصیت اجتماعی انسان‌ها عللی را بر این موضوع ناخوشایند و به‌کارگیری آن از سوی اشخاص مطرح می‌نمایند. بعضی از این دلایل عبارتند از به‌کارگیری فحش به علت بروز یک حادثه ناگوار و غیرمترقبه، دشنام دادن با هدف ایجاد هویت جمعی و ورود در یک جمع ویژه و حفظ حدود آن جمع، بیان هم‌نوایی و یک‌دلی با دیگر افراد، بیان حس نزدیکی و اعتماد، ناسزاگویی به منظور شوخ‌طبعی، دشنام‌گویی جهت پوشاندن حس وحشت و عدم امنیت فردی، ناسزاگویی بر اساس عادت، فحاشی به عنوان برانگیزاننده خشم و تحریک افراد، به‌کارگیری دشنام به منظور تحقیر یا ترساندن، ناسزاگویی جهت جلب توجه یا خودنمایی، فحاشی در راستای قدرت‌نمایی و حتی در برخی موارد به‌عنوان روشی برای کاهش استرس و تخلیه خشم (افراز بروجنی، ۱۳۸۹: ۳۷).

در راستای مطالعه کارکرد دشواژه‌ها، چارچوب نظری پژوهش پیش رو در درجه اول بر مبنای طبقه‌بندی وارداف (۲۰۰۶) تدوین گردیده است. به اعتقاد وارداف، تابوهای زبانی در چهار طبقه کلی قرار می‌گیرند. این طبقه‌بندی شامل جلب توجه شخص گوینده، تحقیر مخاطب، تحریک و تمسخر فرد در منصب قدرت است. از میان کارکردهای موجود در طبقه‌بندی مذکور، جلب توجه، تحریک و تحقیر در سینمای معاصر ایران نیز مشاهده گردید. اما کارکرد چهارم تقسیم‌بندی وارداف که در قالب تمسخر قدرت و حکومت و به‌منزله انتقاد به حساب می‌آید در جامعه ایران غایب است. در عین حال، علاوه بر کارکردهای مطرح‌شده، چهار کارکرد جدید بر اساس گفت‌وگوهای سینمایی شخصیت‌ها در سینمای ایران شامل تأکید، تخلیه روانی، ترس، و ابراز محبت‌شناسایی شدند که ضمن معرفی کارکردهای هفت‌گانه دشواژه‌ها نمونه‌هایی از آنها در فرهنگ زبانی سینمای ایران ارائه شده است. در جدول یک به برخی از این کارکردها که در بررسی آثار سینمایی مشاهده شده است اشاره می‌گردد.

زبان‌شناسی اجتماعی مشورت و با مراجعه به سایت‌های سینمایی فهرستی از فیلم‌های ژانر اجتماعی موجود فراهم گردیده است. نتیجه حاصل جامعه آماری پژوهش حاضر، عبارت است از منتخبی از آثار سینمایی کارگردان‌های مطرح در عرصه رقابت بین‌المللی و گلچین فیلم‌های حاضر در جشنواره‌های ملی و بین‌المللی که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۶ تولید شده‌اند. حجم نهایی جامعه آماری پژوهش در حدود ۴۰ ساعت شامل ۱۲۶۲ دشواژه متشکل از ۲۰ فیلم در بازه ۲۰ سال است. فیلم‌های مذکور عبارتند از طعم گیلاس، دو زن، سگ‌کشی، واکنش پنجم، رقص در غبار، شهر زیبا، آتش‌بس، چهارشنبه سوری، خون‌بازی، سنتوری، تسویه حساب، درباره‌الی، جرم، یکی از ما دو نفر، جدایی نادر از سیمین، قصه‌ها، هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند، فروشنده، زیر سقف دودی، و ملی و راه‌های نرفته‌اش که از آثار کارگردانان نامی سینمای ایران هم‌چون اصغر فرهادی، بهرام بیضایی، پوران درخشنده، ته‌مینا میلانی، داریوش مهرجویی، رخشان بنی‌اعتماد، عباس کیارستمی و مسعود کیمیایی هستند.

پس از انتخاب منابع مورد نظر و مشاهده فیلم‌ها به استخراج داده‌ها از میان مکالمات موجود پرداخته شده است. فیش‌برداری‌های لازم انجام گردیده و در مراحل بعدی داده‌ها جمع‌آوری شده‌اند. در ادامه، داده‌های حاضر از نظر کارکرد دشواژه در بخش‌های جداگانه طبقه‌بندی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش به بررسی مصادیق این دشواژه‌ها و نحوه بازتاب آن‌ها در آثار سینمایی معاصر به تفکیک جنسیت نویسنده و شخصیت پرداخته شده است. همچنین به‌منظور تحلیل آماری و بررسی کمی داده‌ها از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس استفاده شده است.

حوزه‌های مربوط به کارکرد دشواژه

هر قالبی از زبان به‌منظوری ویژه به‌کار گرفته می‌شود و جابه‌جایی این قالب‌های زبانی نه‌تنها غیرمنطقی بوده بلکه به تغییر تفسیر از یک پیغام می‌انجامد. بررسی موشکافانه زبان مؤید این مطلب است که همچنان که بیان صورت‌های مؤدبانه کلمات گاه به‌منظور خاصی صورت می‌پذیرد، دشواژه‌ها نیز در عمل بخشی اجتناب‌ناپذیر از زبان را شکل می‌دهند که در نبود این واژگان سایر امکانات زبانی قادر به ایفای این نقش نخواهند بود.

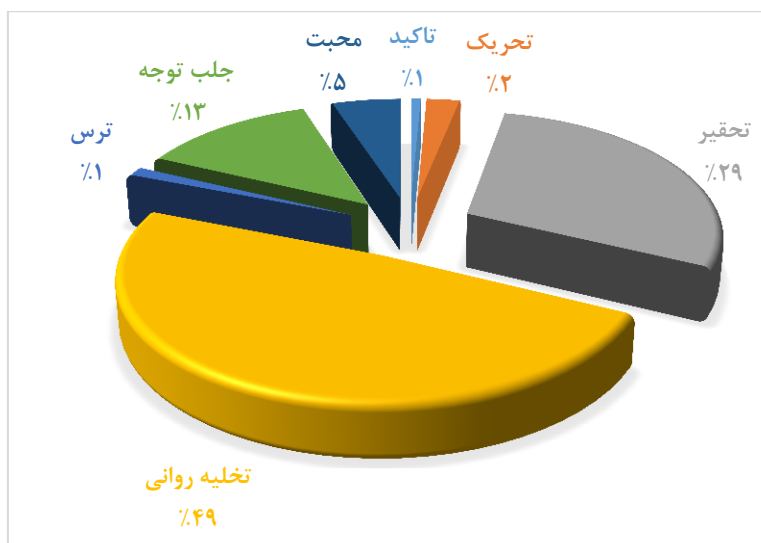
جدول ۱. نمونه‌هایی از دشواژه‌های به‌کاررفته در فیلم‌های مورد مطالعه به‌تفکیک کارکرد دشواژه

| کارکرد دشواژه | نمونه موجود در مکالمات مورد مطالعه |
|---------------|--|
| تأکید | واسه چی رفتی از اون جاوید عوضی پول گرفتی؟ آدم قحط بود؟ مگه نمی‌فهمی ازش بدم میاد؟ چرا از اون؟ گدایی می‌کردی بهتر بود که پیش اون دیوث دستتو دراز کنی. (سننوری؛ علی؛ ۳۳' ۵۷") |
| تحریک | خوب گوشاتو باز کن پیروز من دارم ازت سؤال می‌کنم. (هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند؛ سرگرد؛ ۵۱' ۲۳") |
| تحقیر | پدربزرگش گفت اونقدر به بچه گرسنگی بدن تا بمیره؛ می‌خواست تخم/افغانی تو فامیل نباشه. (تسویه‌حساب؛ زیبا؛ ۱۲' ۳۳") |
| تخلیه روانی | آخه این یه ذره زهرماری به این همه بدبختی می‌ارزه. (خون‌بازی؛ مادر سارا؛ ۱۹' ۴۹") |
| ترس | اصلاً گه خوردم. (رقص در غبار؛ نظر؛ ۳۵' ۳۵") |
| جلب توجه | برو این‌جا واینستا؛ می‌زنم دهن مهنتو سرویس می‌کنم. (طعم گیلان؛ کارگر؛ ۰۷' ۰۱") |
| ایراز محبت | تو خودت گرگی! (جرم؛ رضا؛ ۱۱' ۲۸") |

تحلیل داده‌های پژوهش

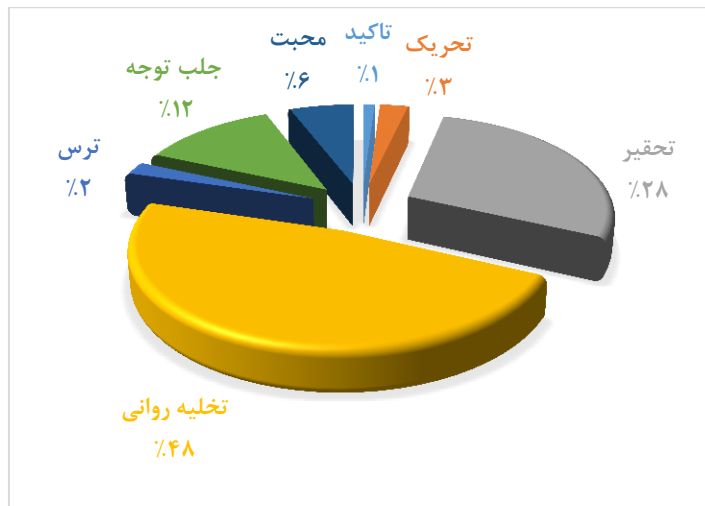
در این بخش کارکرد دشواژه‌های به‌کاررفته در مجموع فیلم‌های مورد مطالعه مورد تحلیل آماری قرار می‌گیرند. نمودار ۱ طبقه‌بندی کارکرد دشواژه‌های موجود در فیلم‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد که پس از استخراج و تحلیل آماری داده‌ها به‌دست آمده است.

دشواژه‌های مربوط به تخلیه روانی بیشترین فراوانی را با میزان ۴۹ درصد دارا می‌باشند که تقریباً نیمی از کل دشواژه‌ها را دربرمی‌گیرند. دشواژه‌های تحقیر با ۲۹ درصد، جلب توجه با ۱۳ درصد، محبت با ۵ درصد، تحریک با ۲ درصد، ترس با ۱ درصد و تأکید با ۱ درصد فراوانی به‌ترتیب رده‌های دوم تا هفتم را به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار ۱. درصد فراوانی کارکرد دشواژه‌های تمامی شخصیت‌ها در فیلم‌های مورد مطالعه

تخلیه روانی در ۴۸ درصد از موارد بوده است. ۲۸ درصد تحقیر، ۱۲ درصد جلب توجه، ۶ درصد محبت، ۳ درصد تحریک، ۲ درصد ترس و ۱ درصد تأکید سایر کارکردهای دشوازه را در مکالمات زنان تشکیل می‌دهند.



نمودار ۲. درصد فراوانی کارکرد دشوازه‌های شخصیت‌های زن در فیلم‌های مورد مطالعه

کارکرد دشوازه‌های مورد استفاده شخصیت‌های زن
در این بخش به تفکیک جنسیت گوینده، کارکرد دشوازه‌های شخصیت‌های زن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. با توجه به اطلاعات نمودار ۲، بیشترین استفاده زنان از دشوازه به‌منظور

تخلیه روانی بوده است. تحقیر با ۳۰ درصد کارکرد دوم را دارد. جلب توجه با ۱۳ درصد، محبت با ۴ درصد، تحریک با ۲ درصد و تأکید با ۱ درصد در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. بر اساس یافته‌ها، هیچ دشوازه‌ای با کارکرد ترس در مکالمات مردان مشاهده نشده است.



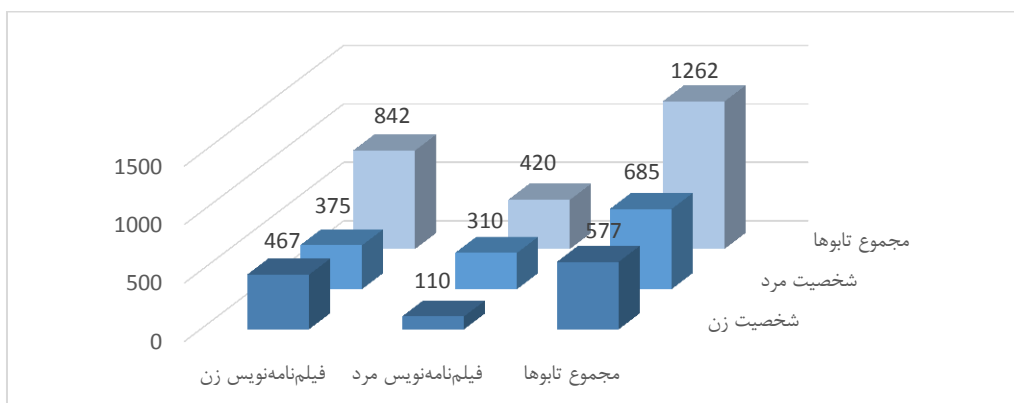
نمودار ۳. درصد فراوانی کارکرد دشوازه‌های شخصیت‌های مرد در فیلم‌های مورد مطالعه

کارکرد دشوازه‌های مورد استفاده شخصیت‌های مرد
در این بخش کارکرد دشوازه‌های به‌کاررفته توسط شخصیت‌های مرد بررسی می‌شود. طبق نمودار ۳، نیمی از دشوازه‌های به‌کاررفته در مکالمات شخصیت‌های مرد جهت

۴ نشان می‌دهد که تعداد مجموع دشواژه‌های موجود در آثار فیلم‌نامه‌نویسان زن ۸۴۲ مورد است. از این تعداد، ۴۶۷ دشواژه مربوط به شخصیت‌های زن فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان زن و ۳۷۵ دشواژه مربوط به شخصیت‌های مرد فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان زن می‌باشد.

دشواژه‌ها به تفکیک شخصیت‌های زن و مرد و به تفکیک جنسیت فیلم‌نامه‌نویس

در این بخش دشواژه‌های موجود در فیلم‌ها به تفکیک جنسیت بازیگر و جنسیت فیلم‌نامه‌نویس مورد تحلیل قرار می‌گیرند. استخراج و تحلیل آماری داده‌ها در نمودار

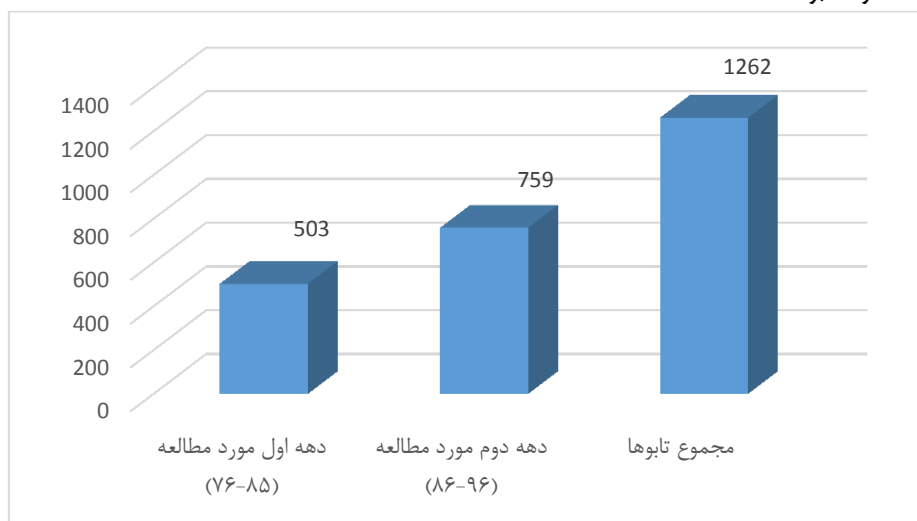


نمودار ۴. فراوانی دشواژه‌ها به تفکیک جنسیت شخصیت و جنسیت فیلم‌نامه‌نویس

دشواژه‌ها به تفکیک دهه اول و دوم بازه زمانی

در این بخش دشواژه‌های موجود در فیلم‌ها را به تفکیک دهه تولید فیلم مورد بررسی می‌شود. اطلاعاتی که از نمودار ۵ بدست می‌آید نشان می‌دهد در حالی که تعداد دشواژه‌های موجود در فیلم‌های در دهه اول، ۵۰۳ دشواژه بوده، این آمار در بازه دهه دوم مورد مطالعه به ۷۵۹ دشواژه افزایش یافته است.

مجموع دشواژه‌های موجود در فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان مرد ۴۲۰ مورد است. ۱۱۰ دشواژه از مجموع دشواژه‌ها را دشواژه‌های شخصیت‌های زن فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان مرد و ۳۱۰ مورد را دشواژه‌های شخصیت‌های مرد فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان مرد تشکیل می‌دهند. با جمع‌بندی آمار فوق، عدد نشانگر مجموع دشواژه‌های شخصیت‌های زن در مجموع فیلم‌ها، ۶۸۵ مجموع دشواژه‌های شخصیت‌های مرد در مجموع فیلم‌ها و در نهایت ۱۲۶۲ عدد حاصل برای مجموع دشواژه‌ها خواهد بود.

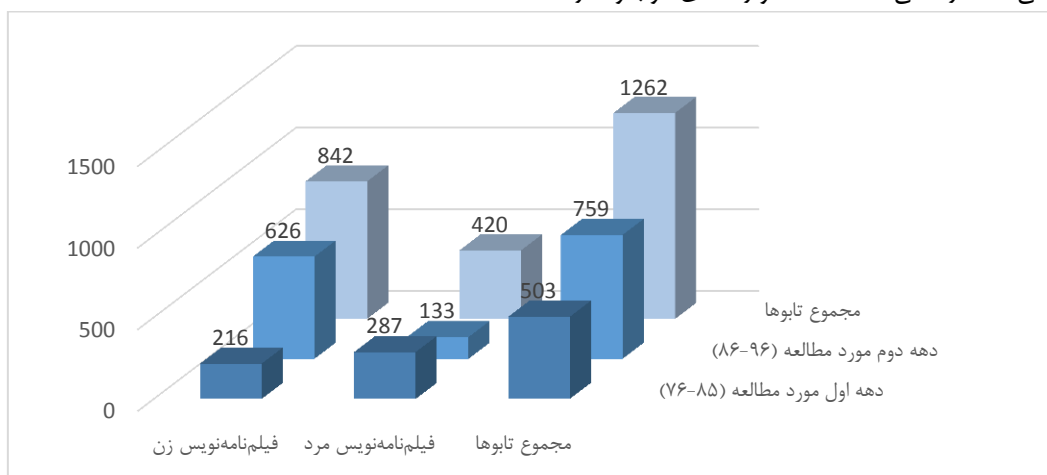


نمودار ۵. فراوانی دشواژه‌ها به تفکیک بازه زمانی مورد مطالعه

فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان زن در دهه اول، ۲۱۶ دسواژه بوده، این آمار در بازه دهه دوم به ۶۲۶ دسواژه افزایش یافته است. این تغییر در مورد آثار فیلم‌نامه‌نویسان مرد روال معکوسی داشته و از ۲۸۶ دسواژه در دهه اول به ۱۳۳ دسواژه در دهه دوم سیر کاهشی را تجربه کرده است.

دسواژه‌ها به تفکیک جنسیت فیلم‌نامه‌نویس فیلم و به تفکیک دهه اول و دوم بازه زمانی

در این بخش دسواژه‌های موجود در فیلم‌ها به تفکیک جنسیت فیلم‌نامه‌نویس و دهه تولید فیلم بررسی می‌شود. اطلاعاتی که از نمودار ۶ به دست می‌آید نشان می‌دهد در حالی که تعداد دسواژه‌های موجود در



نمودار ۶. فراوانی دسواژه‌ها به تفکیک بازه زمانی و جنسیت فیلم‌نامه‌نویس

جدول ۲ نتایج حاصل از این آزمون‌ها را نشان می‌دهد. چنان‌که مشاهده می‌شود در هر دو آزمون مقدار Sig برای شخصیت‌های زن و مرد کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین توزیع داده‌ها نرمال نیست. بنابراین، در ادامه تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمون من‌ویتنی که جزو آزمون‌های غیرپارامتری بوده و در مورد داده‌هایی با توزیع غیر نرمال کاربرد دارد، انجام گرفته است.

جدول ۳. آماره‌های مربوط به آزمون من‌ویتنی جهت بررسی رابطه بین جنسیت و به‌کارگیری دسواژه‌ها

| متغیر: دسواژه‌ها | |
|--------------------------------|---------|
| Mann-Whitney U | ۱۲۲/۵۰۰ |
| Z | -۲/۰۹۸ |
| Exact Sig. [2*(1-tailed Sig.)] | ۰/۰۳۵ |

جدول فوق نشان می‌دهد که درجه اطمینان استفاده از دسواژه‌ها ۰/۰۳۵ می‌باشد و این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین نتایج آزمون من‌ویتنی با رد فرضیه صفر، نشان از وجود تفاوت معناداری بین جنسیت شخصیت‌ها و به‌کارگیری دسواژه‌ها دارد.

رابطه بین جنسیت شخصیت‌ها و به‌کارگیری دسواژه‌ها

جهت بررسی وجود رابطه بین جنسیت شخصیت‌ها و استفاده آنها از دسواژه‌ها و در راستای محاسبات استنباطی، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اسپس‌اس‌اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در این بخش پیش از انتخاب آزمون مطلوب، ابتدا لازم است تا نحوه توزیع داده‌ها از نظر پارامتری یا غیرپارامتری بودن مورد بررسی قرار گیرند. بدین منظور، داده‌های مربوط به این حوزه توسط آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک وضعیت‌سنجی شده‌اند.

جدول ۲. بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها بر اساس جنسیت شخصیت‌ها

| متغیر | Sig شاپیرو-ویلک | Sig کولموگروف-اسمیرنوف |
|--------------------------|-----------------|------------------------|
| دسواژه‌های شخصیت‌های مرد | ۰/۰۰۸ | ۰/۰۱۲ |
| دسواژه‌های شخصیت‌های زن | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |

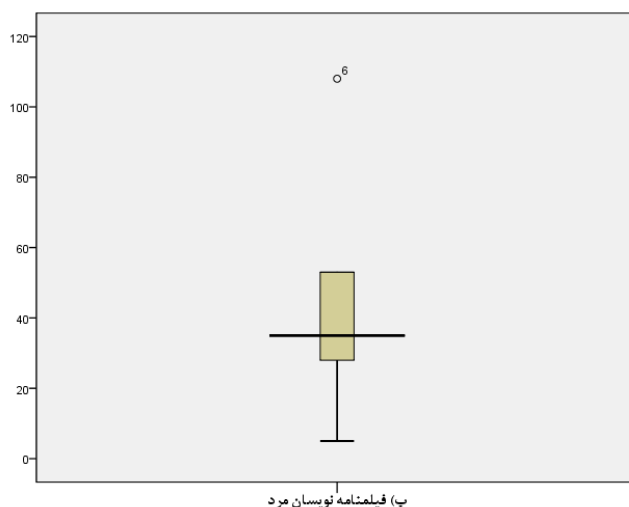
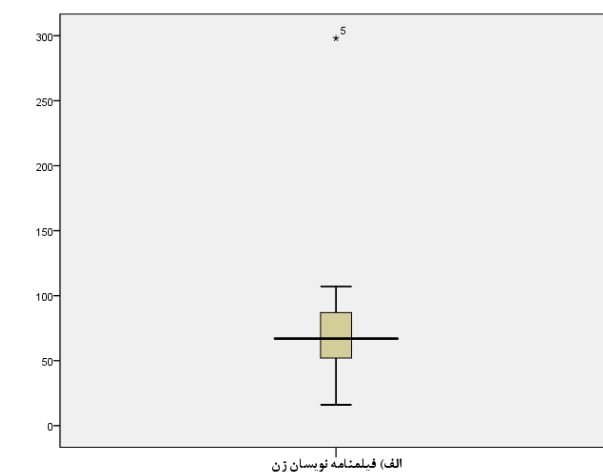
رابطه بین جنسیت فیلم‌نامه‌نویس و وجود دشواژه در فیلم

به منظور بررسی رابطه بین جنسیت فیلم‌نامه‌نویس و وجود دشواژه در فیلم و تعیین نحوه توزیع داده‌ها از نظر پارامتری یا غیرپارامتری بودن، بار دیگر آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک به کار گرفته شده‌اند.

جدول ۴. بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها بر اساس جنسیت فیلم‌نامه‌نویسان

| متغیر | Sig شاپیرو-ویلک | Sig کولموگروف-اسمیرنوف |
|---------------------------------|-----------------|------------------------|
| دشواژه‌های فیلم‌نامه‌نویسان مرد | ۰/۰۷۳ | ۰/۰۹۴ |
| دشواژه‌های فیلم‌نامه‌نویسان زن | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۸ |

چنان‌که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد در هر دو آزمون مقدار Sig برای فیلم‌نامه‌نویسان مرد بیش از ۰/۰۵ و برای فیلم‌نامه‌نویسان زن کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین توزیع داده‌ها در فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان مرد نرمال و در فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان زن غیرنرمال است. از طرفی، بررسی نحوه توزیع داده‌ها در نمودار جعبه‌ای (نمودار ۷) نشان می‌دهد که در هر دو گروه، وجود یک داده به عنوان داده پرت به وضوح مشهود است. حضور چنین داده‌هایی می‌تواند موجب خدشه‌دار شدن تحلیل آماری گردیده و نتایج نهایی را تحریف نماید. لذا در راستای اطمینان از دقت تحلیل، پیشنهاد متخصصان آمار حذف داده‌های پرت می‌باشد (میرز و همکاران، ۱۳۹۱:۲۳۶).



نمودار ۷. توزیع دشواژه‌ها در نمودار جعبه‌ای به تفکیک جنسیت فیلم‌نامه‌نویس: الف) فیلم‌نامه‌نویسان زن؛ ب) فیلم‌نامه‌نویسان مرد

این اختلاف که به معنی کاربرد بیشتر دشواژه در آثار فیلم‌نامه‌نویسان زن از نظر آماری نیز تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تأکید بر این نکته که آثار سینمایی منعکس‌کنندهٔ واقعیت‌های اجتماعی یک جامعه بوده و با بررسی آنها امکان اشراف بر تعاملات و رفتارهای انسانی موجود در جامعه هدف فراهم می‌آید، به مطالعهٔ دشواژه‌ها در این آثار، در نقش یکی از عوامل مهم شکل‌دهندهٔ هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی پرداخت.

تابو مشتمل بر مجموعه‌ای وسیع از کردار و کلمات است که انجام، ایراد یا حتی اشاره به آن از منظر فرهنگی و اجتماعی نامطلوب است. یکی از حوزه‌های مطالعهٔ تابوها متون فیلم‌نامه‌ها است. با شناخت از زبان به‌عنوان ابزاری جهت بیان افکار در ایجاد ارتباط و دشواژه به عنوان یکی از مصادیق تأثیر فرهنگ بر زبان، در این پژوهش به پژوهش پیرامون تابوهای کلامی در سینمای ایران پرداخته شده است. در واقع تلاش بر این بوده است تا تحلیل دشواژه در بستر سینمایی جامعه ایرانی انجام گردد.

نظر به طرفداران بی‌شمار آثار سینمایی در میان اقشار مختلف مردم، بی‌گمان این رسانهٔ بصری نقش بسزایی در اشاعهٔ فرهنگ در جامعه دارد؛ حال با توجه به تأثیرات انکارناپذیر مکالمات شخصیت‌های فیلم‌ها بر مخاطبین و به‌خصوص نسل نوجوان و جوان، انتظار می‌رود که میزان کاربرد دشواژه در این آثار چندان توجه‌برانگیز نباشد. از طرفی، با توجه به عرف حاکم بر جامعه‌ای مانند ایران، انتظار بیان دشواژه از طرف شخصیت‌های زن فیلم‌ها کمتر از شخصیت‌های مرد است. جنسیت نویسندهٔ فیلم‌نامه نیز مستثنی از این مسئله نبوده و احتمال فراوانی بیشتر دشواژه‌ها در آثار نویسندگان زن تاحدودی دور از باور است. اما در مقابل، نتایج این پژوهش نشان‌دهندهٔ وجود مجموع ۱۲۶۲ دشواژه در فیلم‌های مورد بررسی می‌باشد که حاکی از میزان چشم‌گیر دشواژه در آثار سینمایی ایران است. وجود این تعداد دشواژه شاید همچون سوپاپ اطمینانی باشد که جهت انعکاس نسبی وضعیت جامعه در بستر هنر هفتم تجلی می‌یابد. در عین حال، از مجموع دشواژه‌های موجود در فیلم‌های مورد بررسی، تعداد دشواژه‌های موجود در آثار فیلم‌نامه‌نویسان زن ۸۴۲ مورد و تعداد دشواژه‌های موجود در فیلم‌های مربوط به فیلم‌نامه‌نویسان مرد برابر با ۴۲۰ مورد

پس از حذف این داده‌ها، آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک تکرار و نتایج در جدول ۵ ارائه گردیده است. چنان که مشاهده می‌گردد، در هر دو آزمون مقدار Sig برای فیلم‌نامه‌نویسان زن و مرد بیشتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین توزیع داده‌ها نرمال می‌باشد.

جدول ۵. بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها بر اساس جنسیت

فیلم‌نامه‌نویسان پس از حذف داده‌های پرت

| متغیر | Sig شاپیرو-ویلک | Sig کولموگروف-اسمیرنوف |
|---------------------------------|-----------------|------------------------|
| دشواژه‌های فیلم‌نامه‌نویسان مرد | ۰/۷۲۲ | ۰/۲۰۰ |
| دشواژه‌های فیلم‌نامه‌نویسان زن | ۰/۴۵۵ | ۰/۲۰۰ |

در ادامه، تحلیل اطلاعات این بخش با استفاده از آزمون تی‌تست که جزو آزمون‌های پارامتری بوده و در مورد داده‌هایی با توزیع نرمال کاربرد دارد، انجام گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که تعداد دشواژه‌های موجود در آثار فیلم‌نامه‌نویسان زن (میانگین = ۶۰/۴۴ و انحراف معیار = ۲۹/۶۳) در مقایسه با آثار فیلم‌نامه‌نویسان مرد (میانگین = ۳۴/۶۷ و انحراف معیار = ۱۵/۴۴) از لحاظ آماری به‌طور معناداری بیشتر بوده است.

جدول ۶. آماره‌های مربوط به آزمون تی‌تست جهت بررسی رابطهٔ

بین جنسیت فیلم‌نامه‌نویس و تعداد دشواژه‌ها در فیلم‌ها

| فاصلهٔ اطمینان ۹۵٪ | سطح معنی‌دار بودن آزمون | | درجهٔ آزادی (df) | آمارهٔ آزمون (t) |
|--------------------|-------------------------|----------|------------------|------------------|
| | حد بالا | حد پایین | | |
| ۴۹/۳۳۶۹۸ | ۲/۱۶۸۵۷ | ۰,۰۳۴ | ۱۶ | ۲/۳۱۵ |

بر اساس اطلاعات جدول فوق در ارتباط با نتایج آزمون تی، مقدار تی برابر ۲/۳۱۵ بوده و درجهٔ اطمینان استفاده از دشواژه‌ها کمتر از ۰/۰۵ و معادل ۰/۰۳۴ است؛ بنابراین نتایج دال بر تفاوت میانگین در بین دو گروه فیلم‌نامه‌نویسان زن و مرد و در واقع تأیید تفاوت معنادار بین جنسیت فیلم‌نامه‌نویس و کاربرد دشواژه به‌شمار می‌رود. در جدول فوق حد بالا و پایین هر دو مثبت هستند که به مفهوم بزرگتر بودن میانگین گروه اول یعنی فیلم‌نامه‌نویسان زن در قیاس با میانگین گروه دوم یعنی فیلم‌نامه‌نویسان مرد است؛ بنابراین معنادار بودن

کلی دشوازه بدون در نظر گرفتن عامل جنسیت شخصیت‌ها در فیلم‌های نویسندگان زن و مرد، فراوانی دشوازه‌های شخصیت‌های زن در آثار نویسندگان زن به‌عینه فراتر از دشوازه‌های شخصیت‌های مرد است؛ در مقابل، میزان دشوازه‌های به‌کاررفته توسط شخصیت‌های مرد در آثار نویسندگان مرد بیشتر از شخصیت‌های زن این آثار است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که تعداد دشوازه‌های موجود در فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان زن در دهه اول، ۲۱۶ دشوازه بوده، این آمار در بازه دهه دوم مورد مطالعه به ۶۲۶ دشوازه افزایش یافته است. این تغییر در مورد آثار فیلم‌نامه‌نویسان مرد روال معکوسی داشته و از ۲۸۶ دشوازه در دهه اول به ۱۳۳ دشوازه در دهه دوم یافته است. در مورد تفکیک بازه زمانی مورد مطالعه، درحالی‌که آمار کاربرد دشوازه‌ها در آثار نویسندگان مرد نشان از کاهش کاربرد آنها در دوره دوم بازه مورد مطالعه دارد، این روال در مورد آثار نویسندگان زن روند معکوسی را با شیبی تند نشان می‌دهد. تلقی بر خورداری از میزان نسبی آزادی بیان در مقایسه با دوره اول بازه مورد مطالعه شاید دلیل عمده افزایش نزدیک به ۳ برابری کاربرد دشوازه در آثار نویسندگان زن محسوب گردد.

در مطالعات آتی، بررسی کارکرد دشوازه‌ها در میان گروه‌های سنی مختلف می‌تواند بینش دقیق‌تری از تأثیر احتمالی سن بر متغیرهای مورد بررسی را مشخص نماید. از طرفی، بررسی میزان اختلاف در کارکرد دشوازه‌های موجود در فضای مجازی در مقایسه با صحبت‌های رودرو افراد نیز زمینه‌ای دیگر برای پژوهش‌های بیشتر به‌شمار می‌آید.

است. بنابراین، برخلاف انتظار، کارکرد دشوازه در میان آثار نویسندگان زن به‌مراتب بیشتر و نزدیک به ۲ برابر میزان دشوازه در آثار نویسندگان مرد است. این واقعیت می‌تواند نشان‌دهنده اعتراض فروخورده زنان در جامعه باشد که به‌محض دستیابی به موقعیتی جهت بروز خود واقعی‌شان از چنین امکانی به‌عنوان درجه‌ای برای بیان احساسات خود و البته هم‌نوعانشان بهره می‌برند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده شاهد تفاوت در کاربرد دشوازه میان زنان و مردان هستیم. جمع‌بندی بررسی حاصل از مجموعه آثار مورد مطالعه نشان می‌دهد که تعداد دشوازه‌های مورد استفاده شخصیت‌های زن برابر با ۵۷۷ عدد است درحالی‌که شخصیت‌های مرد در مجموع ۶۸۵ دشوازه به کار برده‌اند. به عبارت دیگر، درخصوص دشوازه‌های مورد استفاده شخصیت‌های زن و مرد فارغ از جنسیت نویسنده آثار، هرچند میزان دشوازه‌های به‌کاررفته از طرف شخصیت‌های مرد بیش از شخصیت‌های زن است ولی این تفاوت چندان محسوس نیست که مؤید توجیه پیشین است. البته با در نظر گرفتن تفکیک جنسیتی نویسندگان این آثار، این آمار در مورد شخصیت‌های زن و مرد متفاوت است؛ به این ترتیب که از میان ۸۴۲ دشوازه فیلم‌نامه‌نویسان زن، ۴۶۷ دشوازه مربوط به شخصیت‌های زن فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان زن و ۳۷۵ دشوازه مربوط به شخصیت‌های مرد فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان زن و از میان ۴۲۰ دشوازه فیلم‌نامه‌نویسان مرد، ۱۱۰ دشوازه به شخصیت‌های زن و ۳۱۰ مورد به شخصیت‌های مرد فیلم‌های فیلم‌نامه‌نویسان مرد تعلق دارد. با توجه به نتایج، هم‌سنگ با نتیجه حاصل در ارتباط با کاربرد

منابع

فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد.

تفرجی یگانه، مریم (۱۳۹۵). تحلیل به‌کارگیری دشوازه در فیلم‌های سینمای ایران از منظر جامعه‌شناسی زبان و رابطه آن با جنسیت بازیگران، *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، (۳۵) ۱۷، ۱۶۶-۱۵۱.

طالبی دستنابی، مهناز و خوشبخت‌آرانی، ابوالفضل (۱۳۹۵). تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی زبان بر کاربرد دشوازه‌ها در گویش آران و بیدگل، *زبان‌شناسی اجتماعی*، ۱، ۸۶-۷۵.

حسنوندی، سمیر و کاظمی، ابوذر و حسابی، اکبر (۱۳۹۸). بررسی زبان‌شناختی و ترجمه‌ای عبارات مصطلح بی‌ادبانه

آرددشتی، مریم (۱۳۹۲). رویکرد هنجارمحور به ترجمه تابوهای کلامی در ناطور دشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

ابهریان آزادی، سولماز (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی دشوازه‌ها و به‌واژه‌ها در فارسی و ترکی آذربایجانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا.

ارباب، سپیده (۱۳۹۱). بررسی و طبقه‌بندی دشوازه‌های رایج فارسی در تداول عامه. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۲(۴)، ۱۰۷-۱۲۴.

افراز بروجنی، مهناز (۱۳۸۹). *بررسی ساختار محتوایی و زبانی واژگان تابو در برخی از داستان‌های معاصر*

- مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
مدرسی، یحیی. (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرسی خیابانی، شهرام (۱۳۹۲). بررسی میزان کاربرد دشواژه‌ها در برنامه‌های طنز. *علوم اجتماعی مطالعات سبک زندگی*، ۴، ۶۷-۱۶.
- مردانی کلاته قشلاق، وحید (۱۳۹۱). *بررسی راهبردهای مترجمان در ترجمه تابوهای زبانی و فرهنگی غربی در دوبله فیلم‌های انگلیسی‌زبان به فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مقصودی، الهام (۱۳۹۴). *رویکرد فرهنگی در ترجمه کلمات تابو در متون ادبی از انگلیسی به فارسی: مطالعه موردی «صدسال تنهایی» قبل و بعد از ۱۹۷۹ در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، مؤسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص).
- موسوی، سجاد و بدخشان، ابراهیم (۱۳۹۱). حسن تعابیر ناپسند. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۲(۲)، ۱۷۱-۱۸۷.
- میرز، لاورنس و گامست، گلن و گارینو، جی (۱۳۹۱). *پژوهش چندمتغیری کاربردی*. ترجمه حمیدرضا حسن‌آبادی و همکاران. تهران: رشد.
- Ahmad, K., Ghani, M., Alam, M., & Gul, T. (2013). A sociolinguistic study of the linguistic taboos in the pashtoon society. *International Researchers*, 2(1), 36-41.
- Al-Khatib, M. A. (1995). A sociolinguistic view of linguistic taboo in Jordanian Arabic. *Journal of Multilingual & Multicultural Development*, 16(6), 443-457.
- Aliakbari, M., & Raeesi, H. (2015). A Sociolinguistic study of the linguistic taboos in the Iranian society. *International Journal of Educational Investigations*, 2(3), 91-104.
- Andersson, L. G. (1985). *Fult språk: svordomar, dialekter och annat ont*. Stockholm: Carlssons.
- Davoodi, Z. (2007). On the translation of taboos. Retrieved August 2, 2012 from <http://www.translationdirectory.com/articles/article2052.php>
- در دو فیلم جدایی نادر از سیمین و ابد و یک روز و زیرنویس انگلیسی آنها. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۱(۵۲)، ۷۹-۱۰۷.
- حق‌بین، فریده و طالبی، مهناز (۱۳۹۰). واکنش سخنگویان دوزبانه به واژگان تابو: مطالعه موردی ترک زبانان فارسی‌گو. *پایزنند*، ۲۶، ۷۷-۸۸.
- سمائی، مهدی. (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات زبان مخفی*، تهران: نشر مرکز.
- شریفی، شهلا و دارچینیان، فهیمه (۱۳۸۸). بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۱، ۱۴۱-۱۲۷.
- شکیبا، نوشین (۲۰۰۷). تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها در گفتار زنان و مردان تهرانی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۳(۶)، ۱۴۱-۱۵۵.
- شیخ‌محمدی، لاله (۱۳۹۵). *بررسی خشنونت کلامی و غیرکلامی در زبان فارسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه ایلام.
- طالب‌نیا، احسان (۱۳۹۲). *راهبردهای ترجمه تابو در دوبله فیلم‌های پلیسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عسکری، نسرین (۱۳۸۹). *بررسی راهکارهای ترجمه‌ای به کار گرفته‌شده در ترجمه دژواژه‌ها در دوبله و زیرنویس فیلم‌ها از انگلیسی به فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد
- Fernandez, M. J. F. (2009). The translation of swearing in the dubbing of the film South Park into Spanish. In Cintas, J. D. (Eds.), *New trends in audiovisual translation* (pp. 210-225). Bristol: Multilingual Matters.
- Hashemian, M., Mirzaei, A., & Hosseini, M. (2014). Rendering strategies in culture-specific items: Taboo expressions in IRIB's dubbed Hollywood movies. *International Journal of Foreign Language Teaching and Research*, 2(7), 23-29.
- Hongxu, H., & Guisen, T. (1990). A sociolinguistic view of linguistic taboo in Chinese. *International Journal of the Sociology of Language*, 81, 63-86.
- Jay, T. (1992). Cursing in America: A psycholinguistic study of dirty language in the courts, in the Movies, in the Schoolyards, and on the Streets.

- Amsterdam: John Benjamins Publishing.
- Liedlich, R. D., & Liedlich, R. D. (1973). *Coming to terms with language: An anthology*. New Jersey: John Wiley & Sons.
- Mattsson, J. (2006). Linguistic variation in subtitling. The subtitling of swearwords and discourse markers on public television, commercial television and DVD. Paper presented at the MuTra 2006–Audiovisual Translation Scenarios: Conference Proceedings.
- McEnery, T. (2004). *Swearing in English: Bad language, purity and power from 1586 to the present*. Abingdon: Routledge.
- Qanbar, N. (2011). A sociolinguistic study of the linguistic taboos in the Yemeni society. *Modern Journal of Applied Linguistics*, 3(2/3), 86-104.
- Robinson, D. (1996). *Translation & taboo*. Illinois: Northern Illinois University Press.
- Seifried, B. (2006). *Taboo: Cultural phenomenon headed for extinction*. MA Dissertation in Social Linguistics, Georgia State University, Sociolinguistics.
- Swan, M. (2005). *Practical English usage*. Oxford: Oxford University Press.
- Trudgill, P., & Trudgill, S. (1974). *The social differentiation of English in Norwich*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wajnryb, R. (2005). *Expletive deleted: A good look at bad language*. New York: Simon and Schuster.
- Wardhaugh, R. (2006). *An introduction to sociolinguistics*. New Jersey: John Wiley & Sons.
- Wati, Y. (2002). *Taboo words produced by male and female characters in the movie "boys don't cry"*. Undergraduate Thesis in Language and Literature. Surabaya: University Kristen Petra Publications.